

این آموزگار هوش‌های چندگانه را می‌شناسد

پروژه

دکتر لیلا سلیقه‌دار

اشاره

گفت‌وگویی خانم فاطمه قاسمی، آموزگار شیرازی با خبرنگار آموزش ابتدایی که در همان شهر صورت پذیرفته و نیز گزارشی که وی از حواشی و بازتاب‌های کلاس خانم قاسمی ارائه داده‌بود، ما را بر آن داشت از خانم دکتر سلیقه‌دار، عضو شورای برنامه‌ریزی و کارشناسی مجله بخوابیم، شیوه‌ی تدریس این خانم معلم را از زاویه‌ی نظریه‌ها و تکنیک‌های یاددهی - یادگیری تحلیل کند. وی وقتی متن گفت‌وگو و گزارش را خواند، گفت: «معلوم است که این خانم آموزگار، هوش‌های چندگانه را می‌شناسد.» آن چه در پی می‌آید، مروری است دوباره بر هوش‌های چندگانه. خواهش می‌کنیم پس از خواندن نوشته‌ی حاضر، گزارش خبرنگار مجله از کلاس این آموزگار شیرازی را هم دوباره بخوانید و مقایسه کنید.

تئوری هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری، از جمله‌ی جذاب‌ترین و پرکاربردترین مباحثی است که عمری نه چندان طولانی در آموزش دارد. در این تئوری، فرضیه‌هایی که یادگیری را صرفاً به هوش عمومی مربوط می‌دانند، رد شده و درپچه‌های تازه‌ای به روی آموزش دهندگان و دست‌اندرکاران تعلیم و تربیت باز شده‌اند. هوش‌های چندگانه، مبین انواع راه‌هایی است که به واسطه‌ی آن‌ها یادگیری افراد شکل می‌گیرد و زمینه‌ی لذت بردن از یادگیری فراهم می‌شود. تاکنون به ۹ هوش اشاره شده است.

● هوش زبانی / کلامی، عبارت است از توانایی کاربرد مؤثر زبان به صورت شفاهی یا نوشتاری. افراد دارای هوش کلامی بالا، استفاده از کلمات را در یادگیری و ایجاد ارتباط ترجیح می‌دهند و غالباً از خواندن و نوشتن لذت می‌برند.

● هوش منطقی / ریاضی، نوع دیگری از هوش است که شامل توانایی کشف الگوها، دلایل قیاسی و تفکر منطقی است. افراد دارای این نوع هوش، داشتن منطق را در پذیرش مطالب، مهم و ضروری می‌دانند و نیز مدعای خود را با ذکر دلیل اثبات می‌کنند.

بهره‌گیری از تجربه‌های دیگران، بهترین منبع برای تدریس هر معلمی است

مهمان‌نوازی مردمان شیراز شدند، تشکر و قدردانی کنم.

درباره‌ی آموزگار برآفتاب

فاطمه قاسمی، آموزگار اول ابتدایی، لیسانس آموزش ابتدایی و ۱۴ سال سابقه‌ی کار دارد. تمام دوران تدریس را در مناطق محروم شهر شیراز بوده است و دلیل انتخاب منطقه‌ی محروم را این‌گونه توضیح می‌دهد: «من فکر می‌کنم که به نحوی به جامعه و به مردم محروم بدهکار هستم و می‌خواهم با تدریس در این مناطق، به این وظیفه‌ی جامعه‌ی عمل بپوشانم.»

او درباره‌ی نحوه‌ی برقراری ارتباط با شاگردانش می‌گوید: «من سعی می‌کنم با شناختی جزئی از بچه‌ها، اعتماد آن‌ها را نسبت به خودم جلب کنم و با سبک کارم آشنایشان کنم تا راحت‌تر با من همراهی کنند. من همیشه دوست دارم کلاس جذابی داشته باشم. به این دلیل، تمام پیام‌های درس را به صورت نمایش به بچه‌ها انتقال می‌دهم و ناگفته نماند، ارتباط من با والدین مخصوصاً مادران دانش‌آموزانم، بسیار نزدیک و صمیمی است و این رابطه تأثیر بسزایی در برقراری رابطه و درک بیشتر آن‌ها دارد.»

یک خاطره

هفته‌ی معلم بود. بچه‌های کلاس هر کدام هدیه‌ای کوچک برایم آوردند. در کلاس ناراحتی را در چهره‌ی یکی از شاگردانم دیدم...

آخرین روز هفته‌ی معلم بود که او سراسیمه با یک کادو پیش من آمد و با چشمانی خیس گفت: «خانم معلم، ببخشید که هدیه‌ی شما را دیر آوردم. چون مادرم امروز از کمیته امداد امام خمینی پول گرفت.»

در آن لحظه، خدا را شکر کردم که مهر معلمی و مادرانه‌ی من را در وجود بچه‌های کلاس هم نیز نهاده است.

زیرنویس

۱. نامه‌ای که یکی از دانش‌آموزان سال‌های گذشته نوشته است.
۲. کوچا: کوچه‌ها
۳. کاکو: برادر
۴. صوت هزار: صدای بلب



زهرار جایی راد

.....
آموزگار پایه‌ی اول، ششتمد سبزوار

آموزش جغرافیا از پایه‌ی اول!

در پایه‌ی اول ابتدایی، دانش‌آموزان در حالی به یادگیری صدای اُ می‌رسند و کلمه‌ی «اُستان» را می‌نویسند که با مفهوم آن آشنا نیستند. هم‌چنین، دانش‌آموزان مناطق روستایی که کمتر امکان مسافرت به سایر نقاط کشور را دارند، نام بعضی از استان‌ها نظیر مازندران را می‌شنوند و می‌خوانند، در حالی که شناخت زیادی از موقعیت آن‌ها ندارند. من برای آشنا کردن دانش‌آموزانم با استان‌های کشور، نقشه‌ای در کلاس نصب می‌کنم که محدوده‌ی هر استان را با رنگ مجزایی نشان می‌دهد. آن‌ها با جلو رفتن درس و آشنا شدن با صداهای جدید، نام استان‌هایی را که می‌خوانند، روی برگه می‌نویسند و در موقعیت مکانی آن‌ها می‌چسبانند. در ضمن، گروهی هم می‌کوشند تا نام شهرهای روی نقشه را بخوانند و اگر بتوانند، آن‌ها را تشبیه می‌کنم. از همه مهم‌تر این که با کشور عزیزمان ایران هم بهتر آشنایی پیدا می‌کنند.

● هوش فضایی/دیداری، نوعی توانایی ذهنی را شامل می‌شود که به فرد امکان خلق ماهرانه‌ی تصاویر ذهنی را در پیدا کردن راه حل مشکلات می‌دهد. استفاده از نقشه و نمودار، نوار ویدیویی و عکس و نیز نقاشی کردن و مجسمه‌سازی، شیوه‌های رایج یادگیری مبتنی بر این هوش هستند.

● هوش بدنی/جنبشی، عبارت است از توانایی و سیستم‌های ادراکی و مکانیکی مغز در حل مسائل و شامل توانایی فهم دنیا از طریق بدن است. داشتن مهارت‌های حرکتی در انگشت‌ها و دست و کنترل حرکات، از نشانه‌های افراد دارای این مهارت است.

● هوش میان فردی یا درک اجتماعی، به توانایی فهم و درک تفاوت میان روحیات، احساس، هیجانات و فهم افراد مربوط می‌شود. توانایی برقراری ارتباط و تعامل با سایر افراد و گروه‌ها در افراد صاحب این هوش بالاست.

● هوش درون فردی یا ادراک درونی عبارت است از توانایی فهم و بیان احساسات درونی، دانستن این که چه کسی است، چه کارهایی می‌تواند انجام دهد و داشتن آگاهی نسبت به احساسات خود در همان لحظه‌ی وقوع.

● هوش موسیقایی استفاده از صدا در وسیع‌ترین حوزه را ممکن می‌سازد. افرادی با هوش موزیکال، چارچوبی از درک و شنیدن تن و ریتم و طرح‌های موزیکال، زیر و بم صدا و آهنگ را دارند. آن‌ها قادرند از طریق موسیقی، هیجانات خود را بیان و فکر کنند.

● هوش طبیعت‌گرا یا هوش محیطی، توانایی فهم نمادهای طبیعی و احترام و حساسیت نسبت به طبیعت را شامل می‌شود. این افراد ضمن داشتن حساسیت زیاد به طبیعت و محیط اطراف که آنان را به طبقه‌بندی کردن پدیده‌های گوناگون طبیعی موفق می‌کند، از بودن در محیط‌های طبیعی لذت می‌برند.

● هوش وجودگرایانه یا بنیادگرایانه که تازه‌ترین هوش شناخته شده در این بین است، توجه و حساسیت به مسائل غایی انسان را دربر دارد. افراد دارای این هوش، توانایی موقعیت‌گزینی را با در نظر گرفتن مشخصه‌های وجودی انسان به عنوان معنای زندگی، معنای مرگ، سرنویشت نهایی جهان مادی و معنوی، تجربیات عمیق عشق به دیگری و غوطه‌ور شدن در آثار هنری دارند.

براساس هوش‌های چندگانه‌ی یادگیری، نظام آموزش در کلاس‌های درس شکل دیگری پیدا می‌کند و شیوه‌های قدیمی دیگر در آن جایی نخواهد داشت. در کلاسی که معلم به هوش‌های چندگانه توجه دارد، دانش‌آموزان از طریقی که بیشتر لذت می‌برند، می‌آموزند و یادگیری ماندگارتری را تجربه می‌کنند. اساس رفتار در این کلاس، هوش و توانایی‌های گوناگون دانش‌آموزان است که به پدیدآوری جلوه‌های متنوعی از طراحی آموزشی منجر می‌شود.